



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی  
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

## تحليل هفته

**شماره: ۲۴۴ (از ۱۹ الی ۲۶ حوت ۱۳۹۶ هـ ش)**

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که به زبانهای پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار و پالیسی ساز از آن استفاده نمایند.

### **آنچه در این شماره می خوانید:**

- ۲ ..... مقدمه
- ۳ ..... **زن افغان؛ قربانی افراط و تفریط**
- ۴ ..... خشونت علیه زنان در جهان
- ۵ ..... خشونت علیه زنان در افغانستان
- ۶ ..... عوامل خشونت علیه زن افغان
- ۷ ..... چه باید کرد؟
- ۸ ..... **د حکومت د سولې نوی وړاندیز ولې بی ځوابه پاتې شو/ مرکه**

**مقدمه**

د بېلابېلو ملي او نړيوالو ادارو شمېرې نښي، چې په افغانستان کې له ښځو سره تاوتریخوالي او جنایي جرمونه کال په کال زیاتېږي. وخت ناوخت د هېواد په بېلابېلو سیمو کې، له ښځو سره د زړه بوړنوونکیو تاوتریخواليو خبرونه اورېدل کېږي. که څه هم افغان حکومت او نړيوالې ټولنې په تېره یوه نیمه لسيزه کې د افغان ښځې د ژوند ښه کولو د مبارزې په نوم زیاتې هڅې او لگښتونه هم وکړل؛ خو دا هڅې په هغه لاره کې چې اړتیا یې وه، نه دي شوې.

دا چې په نړۍ کې د ښځې وضعیت څه دی، له افغانستان سره یې پرتلنه څه ډول ده، آیا افغانه ښځه د افراط او تقریط قرباني نه ده؟ او بالاخره په هېواد کې له ښځو سره د تاوتریخوالي بنسټیز لاملونه او حل لارې څه دي؟ د تحلیل په لومړۍ برخه کې یې په اړه د ستراتېژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز د اوونیز تحلیل د څانگې شننه لولۍ.

د تحلیل په دویمه برخه کې بیا د حکومت د سولې وړاندیزونو ته د طالبانو د غبرگون نه ښودلو په اړه مرکه لولۍ. افغان حکومت په تېره څه باندې یوه نیمه لسيزه کې د لومړي ځل لپاره د تېر خلاف طالبانو ته د سولې لپاره څرگند وړاندیزونه وکړل؛ خو طالبانو په خپلې چوپټیا سره دغو وړاندیزونو ته د رد ځواب ورکړ. دا چې ولې طالبانو د حکومت دغې طرحې ته اهمیت ورنه کړ، د نورو پوښتنو ترڅنګ په دې مرکه کې ځواب شوې ده.

## زن افغان؛ قربانی افراط و تفریط



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش سالانه خویش در رابطه به خشونت علیه زنان را هفته گذشته (۱۱ مارچ ۲۰۱۸م) به نشر رساند. این گزارش می‌نگارد که در سال ۱۳۹۶ به تعداد ۴۳۴۰ مورد خشونت علیه زنان در افغانستان به ثبت رسیده است و این رقم در مقایسه به سال ۱۳۹۵ هـ ش حدود ۱۱٫۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

خشونت علیه زنان در افغانستان یکی از چالش‌های بزرگ اجتماعی در کشور به شمار می‌رود و زن افغان قربانی افراط و تفریط موجود در جامعه شده است. هشتم مارچ به عنوان روز زن در افغانستان نیز تجلیل می‌گردد و علاوه بر آن مقام‌های دولت افغانستان همواره از حمایت حقوق بشری زنان در کشور سخن می‌گویند، ولی عملاً این وضعیت به دلیل افراط و تفریط موجود، نگران کننده به نظر می‌رسد.

از یک سو اگر خبرهای کشته شدن زنان در نتیجه خشونت‌های خانواده‌گی به نشر می‌رسد، در جانب دیگر گاه‌گاهی خبرهای تکان‌دهنده قضایای ناموسی نیز به نشر می‌رسد که در برخی موارد مقام‌های بلندرتبه و زورمندان نیز در آن دست دارند. به گونه‌ی مثال در یک مورد اخیر، یافته‌های خبرگزاری پژواک نشان می‌دهد که معاون دوم مجلس سنای افغانستان تلاش کرده با یک زن شوهردار عروسی نماید.<sup>1</sup>

در این تحلیل روی موضوع خشونت علیه زنان، عوامل این وضعیت و راه‌حل‌ها برای کاهش خشونت علیه زنان در افغانستان، پرداخته شده است.

### خشونت علیه زنان در جهان

خشونت علیه زنان پدیده‌ی نیست که در یک منطقه و یا یک کشور جهان محدود باشد، بلکه این پدیده در همه کشورهای جهان و بخصوص در غرب نیز وجود دارد. بگونه‌ی مثال، در سال ۲۰۱۳م در کشورهای اتحادیه اروپا ۱۳ میلیون زن خشونت فیزیکی را متحمل شده‌اند و ۳٫۷ میلیون دیگر با خشونت‌های جنسی مواجه شده‌اند.<sup>2</sup>

به همین منوال، در امریکا در هر ۹ ثانیه یک زن مورد لت و کوب قرار می‌گیرد و از هر پنج زن امریکایی یک تن در طول عمرش تجاوز جنسی را تجربه نموده است.<sup>3</sup> و نیز بر بنیاد گزارش اف بی آی، تنها در ۲۰۱۳م تقریباً ۷۹۷۷۰ مورد تجاوزات جنسی ثبت شده بود.<sup>4</sup>

آمار بالا نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان محدود به یک کشور و یا یک محوطه جغرافیایی نمی‌باشد و این پدیده در همه کشورهای جهان وجود دارد، ولی این بدان معنا نیست که ما از حوادث روز افزون و رقت‌بار خشونت علیه زنان در افغانستان چشم‌پوشی نماییم و در حل این مسئله در کشور تلاش نوزیم.

<sup>1</sup> برای جزئیات بیشتر به وبسایت خبرگزاری پژواک مراجعه نمایید:

<https://www.pajhwok.com/dr/2018/03/06/%D9%8A%D8%A7%D9%81%D8%AA%D9%87-%D9%87%D8%A7%D9%89-%D9%BE%DA%98%D9%88%D8%A7%DA%A9-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%88%D9%86-%D8%AF%D9%88%D9%85-%D9%85%D8%B4%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%AC%D8%B1%DA%AF%D9%87-%D8%AA%D9%84%D8%A7%D8%B4-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%87-%D8%A8%D8%A7-%D9%8A%DA%A9-%D8%B2%D9%86-%D8%B4%D9%88%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%B9%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%89-%D9%86%D9%85%D8%A7%D9%8A%D8%AF>

<sup>2</sup> برای جزئیات بیشتر در این مورد، به سروی که توسط آژانس اتحادیه اروپا برای حقوق بنیادی (Fundamental Rights European Union Agency for) انجام یافته است،

مراجعه کنید: [http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra-2014-vaw-survey-main-results-apr14\\_en.pdf](http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra-2014-vaw-survey-main-results-apr14_en.pdf)

<sup>3</sup> جزئیات ارقام را در اینجا بخوانید: <http://www.ncadv.org/learn/statistics>

<sup>4</sup> بیشتر بخوانید: [https://www.fbi.gov/about-us/cjis/ucr/crime-in-the-u.s./2013/crime-in-the-u.s.-2013/tables/1tabledatadeoverviewpdf/table\\_1\\_crime\\_in\\_the\\_united\\_states\\_by\\_volume\\_and\\_rate\\_per\\_100000\\_inhabitants\\_1994-2013.xls](https://www.fbi.gov/about-us/cjis/ucr/crime-in-the-u.s./2013/crime-in-the-u.s.-2013/tables/1tabledatadeoverviewpdf/table_1_crime_in_the_united_states_by_volume_and_rate_per_100000_inhabitants_1994-2013.xls)

## خشونت علیه زنان در افغانستان

افغانستان یک جامعه سنتی و مذهبی بوده و اکثریت مردم آن بی‌سواد یا کم‌سواد اند و از حقوق زنان در دین مقدس اسلام آگاهی درست ندارند. به همین دلیل زنان در افغانستان از حقوق طبیعی و اسلامی شان محروم اند و حتی خواستن حق میراث برای زن افغان یک عیب پنداشته می‌شود.

خشونت علیه زنان در گذشته‌ها نیز در افغانستان وجود داشت، اما به دلیل اینکه سیستم ثبت قضایای خشونت موجود نبود، همواره چنین خشونت‌ها پوشیده باقی می‌ماند؛ اما اکنون به دلیل موجودیت ادله‌ها و قوانین ضد خشونت علیه زنان و فعالیت رسانه‌های مختلف، برخی از حوادث این خشونت‌ها ثبت و نشر می‌گردد.

پس از سال ۲۰۰۱م و تشکیل نظام جدید علاوه بر اینکه در چوکات دولت افغانستان وزارت‌خانه‌ی برای زنان تشکیل شد، سهم زنان در حکومت نیز افزایش یافت و از این لحاظ افغانستان از اکثر کشورهای جهان نیز پیشی گرفت. چنانچه در پارلمان فعلی افغانستان سهم زنان نسبت به پارلمان کشورهای فرانسه، روسیه، جاپان، هند و پاکستان و اکثر کشورهای دیگر بیشتر است. سهم زنان در معارف، تحصیلات عالی، ادارات دولتی و غیردولتی نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است. در کنار این، برخی قوانین برای حمایت از حقوق بشری زنان نیز به تصویب رسید، ولی با این همه، خشونت علیه زنان با انواع مختلف آن همه‌ساله روبه افزایش بوده است.

بربنیاد معلومات لوی سارنوالی افغانستان، تنها از آغاز سال ۱۳۹۶ هـ ش تا ماه هشتم این سال، بیشتر از ۱۷۰۰ صد قضیه خشونت علیه زنان از سوی این نهاد بررسی شده است که شامل ۹۹۵ قضیه لت و کوب، ۱۴۷ مورد تجاوز جنسی، ۱۳۴ مورد دشنام و ۱۱۵ مورد آزار و اذیت زنان بوده است.

در کنار این، گزارش اخیر سالانه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز بیانگر افزایش خشونت علیه زنان نظر به سال قبل است. در این گزارش از مجموع آمار ثبت شده خشونت علیه زنان در سال ۱۳۹۶ هـ ش ۱۴۲۰ مورد خشونت‌های فیزیکی، ۲۲۸ مورد خشونت‌های جنسی، ۱۳۱۷ مورد خشونت‌های لفظی و روانی، ۷۴۹ مورد خشونت‌های اقتصادی و ۶۲۹ مورد دیگر شامل سایر موارد خشونت علیه زنان به ثبت رسیده است.

## عوامل خشونت علیه زن افغان

عوامل مهم خشونت علیه زنان در افغانستان را می‌توان در نکات ذیل بیان کرد:

**عدم آگاهی مردم از حقوق زن در اسلام:** بی‌سوادی و یا کم‌سوادی در کشور باعث عدم آگاهی و یا تعبیر نادرست شماری از مردم از حقوق و مقام زن در شریعت اسلامی شده است.

**افراط و تفریط:** در جامعه ما از یک‌سو حقوق انسانی زنان زیر پا می‌گردد و از سوی دیگر وضعیت افراطی به وجود آمده که خلاف تمام ارزش‌های این جامعه، زن افغان را به یک حالت بی‌گانه داخل نموده و حمایت از حقوق بشری زنان در جامعه را به صورت منفی متاثر ساخته است. در کنار این، قوانین و مقرراتی برای مبارزه با خشونت علیه زنان وضع می‌گردد که نه تنها در تناقض با تعالیم اسلام قرار دارند، بلکه عکس‌العمل تند و افراطی جامعه را نیز بر می‌انگیزد.

افراط و تفریط باعث حساسیت مردم در برابر این قضیه شده و به همین دلیل از مهم‌ترین عوامل حوادث تکان‌دهنده نیز به شمار می‌رود که به گونه مثال از حادثه قتل دختر جوان به نام فرخنده در سال 1393 در شهر کابل می‌توان یاد کرد.

**جهالت و کمبود علم و دانش:** جهالت، بی‌سوادی و یا کم‌سوادی از عوامل مهم دیگری خشونت علیه زنان در جامعه شمرده می‌شوند. به همین دلیل است که اکثریت حوادث شنیع در مناطق دور دست و دهات بوقوع می‌پیوندد و موارد خشونت علیه زنان توسط افراد بی‌سوادی و یا کم‌سوادی در کشور همه‌ساله افزایش می‌یابد.

**تاثیر فرهنگ بی‌گانه:** از سال ۲۰۰۱م بدین سو به دلیل نشرات بی‌کنترل رسانه‌ها، فرهنگ بی‌گانه در کشور در حال گسترش است و تاثیرات ناگواری روی فرهنگ جامعه افغانی داشته است. در اثر ترویج همین فرهنگ بی‌گانه موارد طلاق در افغانستان بیشتر شده، زنان مورد آزار و اذیت در اماکن عامه قرار می‌گیرند و تجاوزات جنسی نیز افزایش یافته است و حتی موارد تجاوز جنسی بر اطفال کم‌سن و محرمات نیز گزارش داده شده است.

**ضعف در تطبیق قانون و فساد اداری:** عدم تطبیق درست و همگانی قانون و موجودیت فساد اداری در ارگان‌های عدلی و قضایی افغانستان نیز از جمله عواملی است که باعث افزایش موارد خشونت علیه زنان در کشور گردیده است.

## چه باید کرد؟

از آنجاییکه میزان خشونت علیه زنان در کشور همه‌ساله رو به افزایش است، برای جلوگیری از چنین حوادث ناگوار در کشور، نیاز جدی به بالا بردن آگاهی عامه در مورد حقوق زنان، بالا بردن سطح دانش به خصوص در مناطق دوردست کشور، توجه به نقش علمای دین در افهام حقوق زن در اسلام و مبارزه با فساد اداری در ارگان‌های عدلی-قضایی و امنیتی دیده می‌شود. در کنار این، انتقادهای زیادی در مورد نشرات و برنامه‌های برخی رسانه‌ها نیز وجود دارد.

حکومت افغانستان برای جلوگیری از افزایش حوادث شنیع خشونت با زنان به خصوص در مناطق دوردست کشور تاکنون کار موثری نکرده است، بالعکس باورهای در جامعه وجود دارد که تلاش‌های حکومت و جامعه بین‌المللی در این عرصه نه تنها منتج به بهبود وضعیت زنان نشده، بلکه این تلاش‌ها مشوق بی‌بندوباری و در نتیجه افراط در این قضیه پنداشته می‌شود.

## د حکومت د سولې نوی وړاندیز ولې بې ځوابه پاتې شو/مرکه



افغان ولسمشر د کابل پروسې په دویمه غونډه کې، چې (د کب په ۹مه ۱۳۹۶) په کابل کې جوړه شوه، د حکومت د سولې نوې تگلاره وړاندې کړه او طالبانو ته یې له حکومت سره د سولې د خبرو اترو د پیل لپاره، یو لړ مشخص وړاندیزونه وکړل. د حکومت د سولې له دغې تگلارې په ملي او نړیواله کچه ملاتړ وشو او په پراخه کچه یې په رسنیو کې انعکاس وموند.

د کابل پروسې له دویمې غونډې وروسته داسې هیلې راوتوکېدې، چې طالبان به د ولسمشر غني دغو وړاندیزونو ته شین څراغ ورکړي؛ خو د څو اوونیو په تېرېدو سره لاهم طالبانو رسماً خپل دریځ نه دی روښانه کړی او په غیرمستقیم ډول طالبانو ته د نږدې لورو له خوا داسې ښکاري، چې د حکومت دغو تازه وړاندیزونو ته د طالبانو ځواب منفي دی.

په دې تړاو یو شمېر پوښتنې بې ځوابه دي او د همدغو پوښتنو د ځوابونو لپاره، د ستراتیژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز رسنیزې څانگې، د دغه مرکز له رئیس **دکتور عبدالباقي امین** سره مرکه کړې او دلته یې له تاسو درنو لوستونکو سره شریکوو:



**لومړۍ پوښتنه دا ده، چې طالبانو ولې د افغان حکومت د سولې نوي وړاندیز ته، چې په تېرو ۱۷ کلونو کې بې مخینې بلل کېږي، ځواب ونه وایه؟**

**ځواب:** دا چې طالبانو تر دې دمه د افغان دولت وړاندیزونو ته ځواب نه دی ویلی، ښایي اصلي علت یې دا وي چې حکومت په خپلو وړاندیزونو کې د جگړې اساسي عامل، چې په افغانستان کې د بهرنیانو حضور دی، له پامه غورځولی او په دې برخه کې هېڅ وضاحت نه لري. طالبان په هېواد کې د امریکایانو د حضور مخالف دي او وایي چې مور د امریکایانو د حضور تر وخته جگړه کوو؛ خو په دغو وړاندیزونو کې له دغې قضیې سترگې پټې شوې دي. زه فکر کوم که د امریکایانو د وتلو په تړاو مهالوېش وړاندې شي، دا به سولې ته په بنسټیزه توګه لاره هواره کړي؛ یا هم باید اوس امریکایان دا وضاحت وکړي، چې که طالبان د سولې خبرو اترو ته راشي او د جگړې د ختمېدو هیله پیدا شي، مور مهالوېش وړاندې کوو.

زما په اند، اوسمهال طالبان، افغان حکومت او امریکا ټول په دې پوهېږي چې یو لوری هم د جگړې له لارې نه شي بریالی کېدلی؛ خو ستونزه دا ده چې د ټولو لورو سیاستونه بیا هغسې نه دي، چې د جگړې پر ځای سولې ته لاره هواره کړي. طالبان هم له یوې خوا وایي چې مور له امریکا سره د سولې خبرې کول غواړو؛ خو سره له دې جگړه هم کوي او د جگړې شدت یې هم ساتلی دی. امریکایانو هم د ولسمشر له وړاندیزونو کلک ملاتړ وکړ؛ خو عملاً یې ټینګار او تګلاره پر جگړې تمرکز دی. دغه راز امریکایانو په افغانستان کې د خپل حضور او یا وتلو لپاره هېڅ کومه نېټه نه ده ټاکلې. حتی اوس نه د خپل تعداد او نه هم د وتلو په اړه څه خبره کول غواړي. افغان حکومت بیا په تصامیمو کې پوره رول نه لري، کوم تصامیم چې په امریکا کې نیول کېږي افغان حکومت یې دلته اعلانوي او یا یې ملاتړ کوي.

**دا چې طالبان له امریکا سره د سولې خبرو ته چمتو دي، له افغان حکومت سره ولې خبرو ته نه چمتو کېږي؟**

**ځواب:** د طالبانو د تېرو څو کلونو له دريځونو څرګنده ده، چې دوی دا قضیه په دوو برخو وېشلې ده. لومړۍ: په افغانستان کې د بهرنیانو پوځي حضور؛ دویم: په نظام کې بدلونونه. د دوی دريځ چې څومره ما څارلی، د لومړي ټکي په اړه وایي، چې د جگړې یو لوری امریکا ده او دا چې عملاً امریکایان په افغانستان کې حضور لري، نو ځکه مور هم د امریکایانو د حضور او یا وتلو په اړه مستقیم له امریکا سره خبرې کوو؛ ځکه افغان حکومت د دې اختیار او صلاحیت نه لري چې امریکایانو ته ووايي چې تاسې دلته واوسېږئ او یا هم له دې

ځایه ولاړ شی. د دویم ټکي په اړه یې بیا نظر دا دی، چې که امریکایان د وتلو نېټه وټاکي یا له هېواده ووځي، په نظام کې د بدلونونو په اړه له افغان لوري سره خبرې کوي. همدا لامل دی، چې طالبانو اوس امریکا ته د خبرو اترو وړاندیز کړی او وایي، چې د امریکایانو د حضور او وتلو او یا هم خپلو بندیانو او نورو قضیو په اړه چې له امریکا سره تړاو لري، له هغوی سره خبرې کوو. وروسته بیا له افغان حکومت او نورو افغان سیاسي لورو سره په داخلي مسایلو خبرې کوو.

زما په نظر له طالبانو سره د سولې په اړه د افغان حکومت اوسني وړاندیزونه د ستایلو وړ دي؛ خو دا چې ځینې کمې لري، بنیایي ډېر خلک یې په عملي کېدو شک وکړي. ما دا خبره د سولې عالي شورا رئیس ته هم کړې، چې بنیایي په دغو وړاندیزونو ډېر څه مرتب نه شي. ځکه تاسو واورېدل، چې د کابل پروسې په دویمه ناسته کې د ولسمشر له خبرو وروسته، د بهرنیو چارو وزیر وویل چې سوله قومي او ټولنیز اتفاق ته اړتیا لري؛ معنا دا چې د ولسمشر خبره د ټولو خبره نه ده او دې ته ورته نظر تقریبا د اجرائیه رئیس هم دی. نو کله چې له ولسمشر سره هغه خپل حکومتي ټیم پوره موافق نه وي، دا به څه پایله ولرلی شي. نو ځکه زه وایم چې دا طرحه یو څه تر وخت مخکې او د قبلولو لپاره یې زمینه‌سازي نه ده شوې؛ له همدې کبله یې په اړه طالبانو هم غبرگون نه دی ښودلی. دلته داسې یوه میکانیزم ته اړتیا ده، چې هم طالبان، هم حکومت او هم په هېواد کې نور بېلابېل سیاسي لوري پرې توافق ولري؛ ځکه تر هرڅه وړاندې اعتماد جوړونې ته اړتیا ده. اصلا د روانې قضیې ملامت او سلامت معلومول څه گټه نه لري، بلکې د دغې جگړې بندول پکار دي.

### نو ستاسو په اند څه ډول به د خبرو اترو پیل ممکن شي؟

**ځواب:** دا چې طالبان وایي مور له حکومت سره خبرو ته نه کېنو او مور له امریکایانو سره خبره کوو، دا یو بن‌بست دی او طالبان باید له حکومت سره خبرې وکړي. خو زه وایم که چېرته طالبان له حکومت سره خبره نه کوي؛ خو له نورو اغېزناکو افغان لورو سره خبرو اترو ته حاضر دي. ولې حکومت دلته مثبت غبرگون نه ښيي. اړتیا ده چې یوه داسې د خبرو اترو مقدماتي لړۍ پیل شي چې په هغه کې هم طالبانو او هم حکومت او نورو سیاسي لورو، قومونو او ډلو ته لنډ او باوري کسان موجود وي، ترڅو د هغوی د خبرو په پایله کې د ښکېلو لورو نظرونه سره لنډ کړای شي او د لارې داسې نقشه جوړه شي، چې ټول پرې توافق ولري. ترڅنگ یې داسې یو ضمانت کوونکی لوری هم رامنځته شي، چې د اړتیا پر مهال د کوم لوري د ژمنو د ماتولو مخنیوی وکړي؛ ځکه هسې نه کله د سولې د مخالفینو له لوري یوه چاودنه وشي، بیا به یو لوری وایي چې زه خبرې نه کوم، همدا

تېره میاشت په کابل کې له برید وروسته امریکا او بیا افغان ولسمشر وویل، چې نور له طالبانو سره د سولې خبرې نه کوو. ستونزه دا ده، چې حکومت د داسې پروسې د رامنځته کولو لپاره چمتو نه دی، ځکه ما خپله دا وړاندیز حکومت ته کړی او له همدې کبله زه د سولې په خبرو کې د حکومت له خوا د افغانانو د مالکیت په اصطلاح کې ستونزې گورم.

### د سولې په خبرو اترو کې د افغانانو د مالکیت په اصطلاح کې څه ستونزه گوری؟

**ځواب:** د افغانانو په مالکیت د خبرو اترو اصطلاح شاید مثبت اړخ هم ولري او هغه دا چې هېواد د بهرنیانو له لاسوهنو او مداخلو باید وساتو؛ خو زما په اند دغې اصطلاح او تگلارې اوس د سولې پر خبرو اترو منفي اغېز کړی او یو خنډ گرځېدلی دی. ځکه اوس دا خبره په دې معنا کېږي، چې افغان حکومت به ټول ابتکار او هر څه په لاس کې لري، ټول ابتکار دې د یوه لوري په لاس وي، زړه یې که خبرې کوي او که یې نه کوي. دا د سولې په برخه کې خنډ دی. دلته طالبان او افغان حکومت دواړه افغاني لوري دي. دا خو ښه خبره ده چې افغانان د دې پروسې ابتکار په لاس کې ولري او د بهرنیانو له لاسوهنو مخنیوی وشي، خو دلته باید داسې بې طرفه او اغېزناکو ملي او نخبه خلکو ته چې ملي منافعو ته ژمن وي، فرصت ورکړل شي چې په دې برخه کې خپل رول ولوبوي؛ نه دا چې هر څه به د حکومت له لارې کېږي، اصلا ستونزمنه ده چې دوه متخصص لوري د منځگړي له شتون پرته اغېزناکې خبرې اترې وکړای شي.

له بله پلوه د ولسمشر دریځونه هم ډېر ژر او ژور بدلون مومي. د کابل پروسې له غونډې څو ورځې مخکې یې وویل چې نور له طالبانو سره سوله نه کوو؛ خو په دې غونډه کې یې بیا دا ډول وړاندیزونه مطرح کړل. د هېواد د سترو قضایاوو په برخه کې په دې توگه د دریځ بدلولو سره ولسمشر خپل اعتماد له لاسه ورکوي. سبا که یوه حادثه وشي او ولسمشر بیا ووايي چې د سولې خبرې نه کوو، بیا به څه کېږي. ځکه نو باید داسې یو لوری رامنځته شي، چې د غبرگونې تصرفاتو مخنیوی وکړي. همدا اوس د ولسمشر د دریځونو له کبله بې باوري خپره ده او خلک انګېري چې ولسمشر یو ځل بیا د سولې خبرې تحریم نه کړي.

بل څه چې مهم دي او خنډ یې بولم، دا دي چې تصور باید داسې نه وي لکه په لومړي سر کې د سولې خبرې پیل شوي او ویل کېدل، چې طالبان دې تسلیم شي. اوس داسې وېره شته، چې هغه تصور بیا غالب شوی او امریکا او افغان حکومت غواړي طالبان خپله وسله وال مبارزه د امریکایانو په شتون کې پر سیاسي مبارزه بدله

کړي. کوم څه چې نښايي طالبان يې هېڅکله هم ونه مني. له همدې کبله بايد حکومت اساسي خبره د مذاکراتو مېز ته راوړي.

**تر دې مخکې افغان حکومت د سولې لپاره پر پاکستان تمرکز درلود، اوس پاکستان هم د حکومت د سولې له نوې طرحې ملاتړ کړی، ستاسو په اند پاکستان څومره رول لرلی شي؟**

**ځواب:** واقعیت دا دی، چې سوله د ټولو په گټه ده. که پاکستان سم فکر وکړي، نو هغوی بايد په افغانستان کې سوله وغواړي. ځکه په افغانستان کې ثبات د پاکستان ثبات دی او ثبات نن ورځ له پرمختگ سره کلک تړلی دی. پاکستان په افغانستان کې سولې ته داسې اړتیا لري، لکه څرنگه يې چې په خپل هېواد کې لري؛ خو متأسفانه سیاستونه د دواړو هېوادونو او سیمې په گټه مخته نه ځي. پاکستان دوه گونې سیاست لري. په لومړيو کې يې خپله خاوره د امریکا په واک کې ورکړه او طالبان يې پرې وځپل؛ خو اصلا داسې فکر کوي چې په سیمه کې يې د امریکا حضور په گټه نه دی او نه يې غواړي. دغه راز په سیمه کې د هند نفوذ هم نه غواړي؛ نو ځکه داسې لوبه کوي، چې هم له امریکا څخه مرستې ترلاسه کړي، هم د امریکا حضور تر سوال لاندې راولي او هم د هند د نفوذ مخه ونيسي.

**نو ستاسو په اند افغانستان د سیمې د هېوادونو له دا ډول سیاستونو سره څه ډول چلند وکړي؟**

**ځواب:** دلته د سیمې په کچه څو ډوله داسې فعالیتونه په کار دي، چې د سولې لپاره مرستندوی واقع کېدای شي. لومړی خو افغان حکومت ته پکار ده، چې د زبرځواکونو او سیمه ییزو او نړیوالو بلاکونو ترمنځ بې طرفه پاتې شي. د بېلگې په توگه د چین، امریکا، روسیې، هند او نورو ترمنځ توازن وساتي، نه دا چې لکه د اوس په څېر د امریکا د سیاستونو په غېږ کې داسې ورننوخې، چې سیمه ییز توازن په پام کې ونه نیسي. دا کار د افغانستان په گټه نه دی. له حقوقي او سیاسي لحاظه هم باید د گاونډیانو حساسیتونه په پام کې ونيسي. په اوسني وخت کې افغانستان پاکستان ته اړتیا لري او پاکستان افغانستان ته اړ دی؛ نو ځکه د باور جوړولو اړتیا ده. په دواړو هېوادونو کې د یو بل پر ضد لابي گانو پر ځای د دې قناعت پر جوړولو کار وشي، چې سوله د دواړو هېوادونو په گټه ده او شته خنډونه يې بايد له منځه ولاړ شي. اوس چې د امریکا ستراتیژي وايي، چې د هند رول بايد په افغانستان کې زیات شي، معنا دا چې د پاکستان حساسیت ډېرېږي او له همدې کبله زه وایم چې د ترمپ ستراتیژي په ټولیز ډول د افغانستان په گټه نه ده. په دې توگه افغانستان یوې نیابتی جگړې ته ور داخلېږي.

همدا راز سمه ده، چې د امریکا لومړیتوب به د روسې، چین او نورو هېوادونو کنټرولول وي؛ خو د افغانستان لومړیتوب خو دا نه دی، افغانانو ته بې طرفي پکار ده او نباید د چین، روسې او امریکا ترمنځ د رقابتونو قرباني شي، بلکې د بې طرفۍ په حال کې د هغوی له امکاناتو ګټه واخلي. افغانستان یو مهم جیوپولیتیک موقعیت لري، دا موقعیت زموږ لپاره باید د زیان پر ځای ګټور تمام شي.

مننه



ارتباط با ما:

ایمیل: [csrskابل@gmail.com](mailto:csrskابل@gmail.com) [info@csrskابل.com](mailto:info@csrskابل.com)

وب سایت: [www.csrskابل.com](http://www.csrskابل.com) - [www.csrskابل.net](http://www.csrskابل.net)

شماره تماس دفتر: (+93) 784089590

ارتباط با مسؤولین:

دکتور عبدالباقي امين، رئيس مركز مطالعات استراتژيک و منطقوی: [abdulbaqi123@hotmail.com](mailto:abdulbaqi123@hotmail.com) (+93) 789316120

حکمت الله ځلاند، مسؤول بخش پژوهش‌ها و نشرات: [hekmat.zaland@gmail.com](mailto:hekmat.zaland@gmail.com) (+93) 775454048

یادآوری: لطفا نظرات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.